

التمارين

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ .
از واژگان لغتنامه درس واژه مناسب را در جای خالی بگذار.

۱ - كَانَتْ شَيْمِلُ مِنْدُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإِيرَانَ.

شیمل از هنگام کودکی اش علاقه مند به هر چیزی بود که به شرق ارتباط داشت و شیفته ایران بود.

۲ -الدكتوراه الفَخْرِيَّةُ هِيَ شَهَادَةٌ تُعْطَى لِشَخْصٍ تَقْدِيرًا لِجُهودِهِ فِي مَجَالٍ مُعَيَّنٍ.

دکترای افتخاری مدرکی است که در زمینه ای مشخص به فردی به خاطر تقدیر از کوشش [ش] داده می شود.

۳ -إِنَّ أَنْقَرَهَ ثَانِي أَكْبَرِ مَدِينَةٍ فِي تُرْكِيَا بَعْدَ إِسْطَنْبُول. هَمَانَا أَنْكَارَا دَوْمِين شَهْر بَزْرُگِ تُرْكِيَه پَسِ از اسْتَنْبُول اسْت.

۴ -الشَّعْبُ الْبَاكِسْتَانِي يَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ الْأُرْدِيَّةِ. مِلْتِ پَاكِسْتَانِ بَه زَبَانِ اَرْدُو سَخْنِ مِی گویند.

۵ -اللُّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ فِي بَرِيطَانِيَا الْإِنْجِلِيزِيَّةُ. زَبَانِ رَسْمِي در اَنگِلِسْتَانِ اَنگِلِيسِي اسْت.

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى

. واژه ای را که با دیگر واژگان هماهنگ نیست شناسایی کن.

۱ -الْأُسْبُوعَ (هفته) □ الشَّهْرَ (ماه) □ الثَّقَافَةُ (فرهنگ) ■ السَّنةَ (سال) □

۲ -الأُرْدِيَّةُ (اردو) □ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ (انگلیسی) □ الْفَرَنْسِيَّةُ (فرانسوی) □ الْفَخْرِيَّةُ (افتخاری) ■

۳ -الزَّمِيلَ (همکار) □ الْقَمِيصَ (پیراهن) ■ الصَّدِيقَ (دوست) □ الْحَبِيبَ (دوست) □

۴ -الْقَرْيَةَ (روستا) □ الْمَدِينَةَ (شهر) □ الْبِلَادَ (شهرها؛ کشور) □ النِّيَامَ (خوابیدگان) ■

۵ -الشَّهَادَةَ (مدرک) ■ الطُّفُولَةَ (کودکی) □ الصَّغَرَ (خردسالی) □ الْكِبَرَ (بزرگسالی) □

۶ -الْقَطْ (گربه) ■ الرِّمَانَ (انار) □ التَّقَاحَ (سیب) □ الْعَنْبَ (انگور) □

الْتَمَرِينُ الثَّلَاثُ: اقْرَأِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ انْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ

آیه های زیر را بخوان؛ سپس ترجمه درست را برگزین.

۱- ﴿... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آل عمران: ۱۲۲

الف مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند ■ ب مؤمنان فقط به خدا توکل می کنند .

۲- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...﴾ الحجرات: ۱۴

بادیه نشینان گفتند ... :

الف «... ایمان می آوریم.» بگو: ایمان نمی آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می مانیم □ .

ب «... ایمان آوردیم.» بگو: ایمان نیاورده اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم ■ .

۳ - ﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ الزمر: ۵۲

الف آیا ندانسته اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می‌گستراند؟ ■

ب آیا نمی‌دانند که خدا روزی را برای هر کس بخواهد، فراوان می‌کند؟ □

۴ - ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾
بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی نیاز است...

الف ... نمی‌زاید و زاده نمی‌شود و کسی همانندش نیست □.

ب ... نزاده و زاده نشده و کسی برایش هم‌تا نبوده است ■.

۵ - ﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ [سوره قريش]
پس پروردگار این خانه را...

الف ... می‌پرستند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد □.

ب ... باید بپرستند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد ■.

الْتَّمِرِينَ الرَّابِعُ: صَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. واژه مناسب را در جای خالی بگذار.

۱ - تُسَمَّى مَظَاهِرُ التَّقْدِيمِ فِي مِيَادِينِ الْعِلْمِ وَالصَّنَاعَةِ وَالْأَدَبِ..... مَهْرَجَانًا
(جشنواره) □ حضارَه (تمدن) ■

نمودهای پیشرفت در زمینه‌های دانش، صنعت و ادب تمدن نامیده می‌شود.

۲ - أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ فِي حَدِيثِهِ إِلَى فُضَائِلِ أَنَّهُ مَارِي شَيْمِل

أَشَارَ (اشاره کرد) ■ أَثَارَ (برانگیخت) □

استاد دانشگاه در سخنش به فضیلت‌های آنه ماری شیمیل اشاره کرد.

۳ - هِيَ الْقِيَمُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ

الْشَّهَادَةُ (مدرک) □ الثَّقَافَةُ (فرهنگ) ■

فرهنگ همان ارزشهای مشترک میان گروهی از مردم است.

۴ - أَلْقَى أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ..... حَوْلَ شَيْمِل

مُحَاضَرَةً (سخنرانی) ■ مَسْجَلًا (دستگاه ضبط) □

استاد دانشگاه درباره شیمیل سخنرانی کرد.

۵ - هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَعْمَلُ مَعَكَ

الزَّمِيلَ (همکار) ■ الْمُضِيَّافُ (مهمان دوست) □

همکار کسی است که با تو کار می‌کند.

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: اَنْتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيْحَ). پاسخ درست را برگزین.

- ۱- عَلَیْكَ بِالْمُحَاوَلَةِ، وَ فِی حَیَاتِكَ
 باید کوشش کنی و در زندگانی ات ناامید نشو.
 اَنْ تَیَاسَ ☐ کِی تَیَاسَ ☐ لَا تَیَاسَ ☒
- ۲- اَنَا فِی السَّنَتَیْنِ الْمَاضِیَتَیْنِ
 من در دو سال گذشته مسافرت نکرده ام.
 لَنْ اُسَافِرَ ☐ لَمْ اُسَافِرْ ☒ لَکِ اُسَافِرَ ☐
- ۳- اَرِید اِلَی سَوَاقِ الْحَقَائِبِ
 می خواهم به بازار کیف [فروشی] بروم.
 اَنْ اُذْهَبَ ☒ لَمْ اُذْهَبَ ☐ اِنْ اُذْهَبَ ☐
- ۴- هُو اِلَی الْمَلْعَبِ غَدًا
 (او فردا به ورزشگاه بازخواهد گشت).
 لَنْ یَرْجِعَ ☒ مَا رَجِعَ ☐ لَمْ یَرْجِعْ ☐
- ۵- مَنْ یَنْجَحُ فِی اَعْمَالِهِ
 (هر کس در کارهایش بکوشد موفق می شود).
 لَا یَجْتَهِدُ ☐ لَا یَجْتَهِدُ ☐ یَجْتَهِدُ ☒

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: عَیِّنِ الْبَیْتِ الْفَارِسِی الَّذِی یَرْتَبِطُ بِالْحَدِیْثِ فِی الْمَعْنِی).
 بیت فارسی ای را شناسایی کن که با حدیث از نظر معنا در ارتباط باشد.

- ۱- الْمُؤْمِنُ قَلِیلُ الْکَلَامِ کَثِیرُ الْعَمَلِ. (مؤمن کم سخن و پرکار است. الف)
 ۲- الْعَالَمُ بِلا عَمَلٍ کَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رسول الله (دانای بدون کردار مانند درخت بدون میوه است. ب)
 ۳- اَمَرَنِی رَبِّی بِمُدَارَاهِ النَّاسِ کَمَا اَمَرَنِی بِاَدَاءِ الْفَرَائِضِ. (پروردگارم مرا به نرمخویی با مردم فرموده همانگونه که به انجام دادن واجبات دینی فرموده است. هـ)
 ۴- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَیْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. (دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است. و)
 ۵- الدَّهْرُ یُومَانُ؛ یَوْمٌ لَکَ وَ یَوْمٌ عَلَیْکَ. (روزگار دو روز است؛ روزی به سود تو و روزی به زیانت. د)
 ۶- خَیْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. [رسول الله] (بهترین کارها میانه آنهاست. ج)

- الف کم گوی و گزیده گوی چون در / تا ز اندک تو جهان شود) نظامی گنجه ای
 ب علم کز اعمال نشانش نیست / کالبدی دارد و جانش نیست). امیر خسرو دهلوی
 ج اندازه نگه دار که اندازه نکوست / هم لایق دشمن است و هم لایق دوست) سعدی
 د روزگار است آنکه گه عزت دهد گه خوار دارد / چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد). قایم مقام فراهانی
 هـ آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است / با دوستان مروت با دشمنان مدارا). حافظ
 و دشمن دانا که غم جان بود / بهتر از آن دوست که نادان بود). نظامی گنجه ای

التمرین السَّابِعُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»
واژه مناسب را از [میان] واژگان زیر در جای خالی بگذار. دو واژه اضافی است.

أُنْقِرْهُ (آنکارا) / الْإِنْجِلِيزِيَّةَ (انگلیسی) / الْحَضَارَةُ (تمدن) / فَخْرِيَّةُ (افتخاری)
مُنْدُ (از هنگام) / الْمُسْتَشْرِقَ (خاورشناس) / مُحَاضَرَهُ (سخنرانی) / شَهَادَاتِ (مدارک)

۱- ما رَأَيْتُ جِيرَانِي مُنْدُ يَوْمِ الْخَمِيسِ. (من همسایگانم را از روز پنجشنبه ندیده ام.)

۲- نَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ الصَّفِّ السَّابِعِ. (زبان انگلیسی را از کلاس هفتم می‌آموزیم.)

۳- أَقْلَى الْأُسْتَاذُ مُحَاضَرَهُ تَقَافِيَةً أَمَامَ الطُّلَابِ. (استاد پیشاروی دانشجویان سخنرانی فرهنگی کرد.)

۴- كَانَتْ الْحَضَارَةُ السُّومَرِيَّةُ فِي جَنُوبِ الْعِرَاقِ. (تمدن سومری در جنوب عراق بود.)

۵- أَلَدُكْتُورَاهُ مِنْ أَعْلَى شَهَادَاتِ التَّخَصُّصِ فِي الْجَامِعَاتِ. (دکترای از بالاترین مدارک تخصصی در دانشگاه‌ها ست.)

۶- إِنَّ الْمُسْتَشْرِقَ عَالِمٌ مِنَ الدُّوَلِ الْغَرْبِيَّةِ عَارِفٌ بِالثَّقَافَةِ الشَّرْقِيَّةِ. (خاورشناس، دانشمندی است از دولتهای باختری

که آشنا با فرهنگ خاورزمین است.)